



برلین - ۲۳ نومبر ۲۰۱۸



خلیل الله معروفی

جوابی به آقای میرویس "موج"

در صفحه اول نومبر ۲۰۱۸ "آریانا افغانستان آنلاین" مطلب مختلط منثور - منظوم "جاودان گردید نامت، جاودان" این درویش منتشر گشت. به تاریخ پنجم نومبر ۲۰۱۸ ایمیلی از هموطن عزیزم، آقای میرویس "موج" به آدرس پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" رسید، که اداره پورتال آن را به آدرس ایمیل من فارورد کرد. آقای میرویس موج چنین مینگارد:

سلام آقای معروفی

من گاهگاهی نوشته‌های شما را می‌خوانم.

سروده «جاودان گردید نامت، جاودان» در بند سوم سه قافیه متفاوت دارد.

بردگی با خوردگی

شرمندگی با زندگی

میتوانند قافیه شوند.

آزادگی را نمیتوان با اینها قافیه بست.

با سپاس

موج

جواب درویشانه این قلم:

از وطن‌دار نهایت ارجمندم، آقای "میرویس موج" از صمیم قلب سپاسگزارم، که گاهگاهی مطالب پریشان و تیت و پراکنده و پاشان مرا از نظر عاطر خود میگذراند. سپاسم، نه تنها متوجه آن عزیز است، بلکه متوجه این نکته نیز هست، که مطالبم درخور مطالعه عزیزانی در کرانه‌هایی از جهان بیکران قرار گرفته است. با کمال سرافکندی باید بگویم، که از ودیعت مکرّم و مقدّسی به نام "قلم" بعضاً بسیار زیاد و در حدّ اغراق استفاده میکنم. البته نه تنها استفاده میکنم، بلکه به خود جرأت میدهم در پهلوی نثر، مطالب منظوم هم عرضه کنم. خودم کاملاً متیقن هستم، که نمیتوانم کلام منظوم را مرتبت "شعر" بدهم، چه رسد بدین، که خود را "شاعر" بنامم!!! آنچه را در نثر و نظم تقدیم میکنم، فقط درد دل است و نجوای قلم؛ و غیر ازان هیچ!!!

باری اگر اجازه ابراز نظر در زمینه آن منظومه را برای قلم شکسته ام قائل گردم؛ بند سوم؛ یعنی بند مورد ایراد آن عزیز ناقد را ذیلاً و عیناً نقل میکنم:

زندگی در بندگی چون بردگی ست
بندگی خود مایه سرخوردگی ست
بردگی سرچشمه شرمندگی ست
زندگی در بندگی، کی زندگی ست
زندگی در چنبر آزادی ست

جاودان گردید نامت، جاودان

درینجا سه حالت را پیش دیده بصیر آن عزیز و عزیزان دیگر می‌کشم:
- اگر (- زندگی) را قافیه قبول کنیم، "بردگی" و "سرخوردگی" شامل این قافیه می‌گردند، چنان، که آقای "موج" نیز بدان اشارت کرده است.
- و اگر (- زندگی) را قافیه قرار بدهیم، کلمات "شرمندگی" و "زندگی" هم‌قافیه میشوند؛ که آقای "موج" هم با آن کاملاً موافقت دارد.
- ولی اگر (- آذگی) را قافیه بزنیم، تنها "آزادگی" شامل حالش می‌گردد. اما اگر:
اما و مگر اگر (- دگی) را به حیث "قافیه" بپذیریم، در آن صورت تمام هر پنج کلمه "بردگی" و "سرخوردگی" و "شرمندگی" و "زندگی" و "آزادگی" را شامل حال خود می‌گرداند. و این درویش "متشاعر" - و نه هرگز "شاعر" - هم همین حالت و همین "قافیه" را در بند سوم مدّ نظر داشته است.
از التفات جناب "میرویس موج" به مطالب بی‌خردار و به گفته کابلین اصیل، "کس مخر" من یک کوه هندوکش سپاس دارم. ای کاش ایشان بر خود سروده و شجره نزولش هم گوشه چشمی انداخته و اظهار نظر کیمیاگرانه ای میفرمودند. ولی در هر صورت معذورم بدارند ازین، که زودتر جواب نگفتم.

به سلامت باشید و در اوج موج؛

و

به یاد افغانستان عزیز!!!

جوابی به آقای میرویس "موج"

Maroofi_k_jawaabey_ba_mirwais_mauj.pdf